

Shiraz-Beethoven.ir

۷.....	پیشگفتار مترجم
۹.....	گام‌های نخست
۱۵.....	آوازاها
۲۵.....	ریتم
۴۱.....	صوت
۴۹.....	گوش موسیقایی
۵۷.....	حس شنوایی
۶۷.....	تأثرات شنیداری
۷۱.....	ملودی
۹۳.....	شنوایی درونی، نسبی و مطلق
۱۰۱.....	هوش شنیداری
۱۰۷.....	هارمونی
۱۱۷.....	حافظه موسیقایی
۱۳۷.....	اشتراکات
۱۶۷.....	سلفژ
۱۷۱.....	آموزش موسیقی و ساز

Shiraz-Beethoven.ir

۱۷۷.....	تکنیک سازی
۱۹۵.....	اجرا
۲۰۱.....	آفرینش موسیقایی
۲۰۷.....	استعداد موسیقایی هنرجویان
۲۱۵.....	تأثیرات درمانی موسیقی
۲۱۹.....	اصول روان شناسی قیاسی
۲۲۹.....	کلام آخر

Shiraz-Beethoven.ir

گفتار ششم

می‌توانیم بگوییم درک و دریافت حس شنوایی، اما در این صورت موضوع ما فقط درباره‌ی یک اندام حسی خواهد بود. به کارگیری اصطلاح حس به منظور نشان دادن جریان حیات در این اندام است که به صورت حسی، عمل می‌کند و عکس‌العمل نشان می‌دهد. در مورد هنرمند نیز غالباً به همین صورت است. این حس موسیقایی که توسط آهنگسازان مدرن (از دوبوسی به بعد) نیز خاطر نشان شده است، می‌بایست در تمامی هنرجویان برانگیخته شود، چرا که نه تنها عاملی مهم برای خلق آثار موسیقایی و الهام موسیقایی است، بلکه همچنین عاملی ضروری برای درک و به ویژه حس آثار موسیقایی مدرن است؛ آثاری که به غایت حسی می‌باشند.

ملودی و هارمونی می‌بایست در آموزش‌های حس شنوایی جایگاه محکم خود را بیابند و توسط یک وسیله‌ی شنیداری پایدار شوند، چنان‌چه این روش در بعضی از متدهای نوین آموزش موسیقی نیز عرضه می‌شود. البته این به هیچ وجه به این معنی نیست که درک حسی می‌بایست از این‌جا به بعد پیش‌تاز باشد. موسیقی از سرشت و انتظام دیگری برخوردار است، اما نباید از یاد برد که موسیقی به ادراک حسی به عنوان وسیله‌ای که عوامل صوتی را از طریق هوش

سلفژ

گفتار پانزدهم

آواز می‌بایست مقام اول اهمیت را در آموزش موسیقی داشته باشد. بسیاری از حرکت‌های گسترده و بزرگ موسیقایی تقریباً مبنای آوازی داشته‌اند. اما زمانی فرامی‌رسد که هر خواننده‌ای دوست دارد خواندن و نوشتار موسیقایی را نیز فراگیرد. اینجاست که مقوله‌ی گذر از تجربه به تجرد، یعنی مرحله‌ی گذار از زندگی واقعی و عملی به مرحله ذهنی و انتزاعی - که در عین جذاب بودن، مقوله بسیار دشواری است - مطرح می‌شود. هنرجو پس از به دست آوردن تجارب موسیقایی می‌بایست توانایی ورود به دنیای ذهنی خواندن و نوشتن را که عملی صرفاً عقلانی است، نیز داشته باشد.

هر شناختی می‌بایست از طریق تجارب واقعی زندگی به دست آمده باشد، تجاربی که هر کدام سیر تحول ویژه خود را طی خواهد کرد و راه‌گشای رسیدن به فرایندهای عالی‌تری می‌شود. اگر وحدت لازمه ادامه حیات است، تجزیه و تحلیل لازمه شعور و آگاهی است. این دو ویژگی مکمل و متقابل مقوله آموزش، در موسیقی نمودی کاملاً معنی‌دار به خود می‌گیرند.

در کتاب سلفژ مقدماتی سعی کرده‌ایم که این دو عامل را به‌طور هماهنگ به کار ببریم. بدین منظور کلاس‌های هدایت موسیقایی را، که از دو مرحله تشکیل شده است، پیشنهاد می‌کنیم (مرحله‌ی دوم نسبت به مرحله‌ی اول پیشرفته‌تر است). این کلاس‌ها می‌توانند توسط دوره‌های پیش سلفژی و